

راز کشتی ماری سلسنت معروف به کشتی اشباح

سلام علیرضا هستم امروز هجدهم جولای سال 2019، 27ام تیر 1398 و شما قسمت چهارم از پادکست ژرفا رو میشنوین.

اول از همه باید تشکر بکنم بخاطر همه ی نظرات سازندتون که برای خود من خیلی دلگرم کننده بود لطفا لطفا باز هم با نظرات خوبتون مارو یاری کنید.

دوم اینکه ببخشید بابت تاخیر برای انتشار این قسمت، علتش طوفانی بود به اسم طوفان بری که جنوب آمریکا رو درگیر کرده بود شاید اخبارش رو شنیده باشید بیشترین تاثیرش رو در همین ایالت یعنی ایالت لوئیزیانا گذاشت.

خیلی جالبه بدونید که قبل از شروع طوفان، حین طوفان و حتی بعد از گذشتن طوفان از بالای سر ما رسانه های اینجا مرتب در حال دادن پیام های اخطار مبنی بر اینکه وسایل حیاتی رو تهیه کنین مثل آب برق غذاهای کنسروی تا در صورت بروز قطعی آب و برق کارساز باشن و هشدارهایی مبنی بر اینکه از خونه خارج نشین و احتیاط کنین.

این درحالی بود که این همه هشدار برای طوفانی که تجربش کردیم از نظر خیلی ها بیش از اندازه بنظر میرسید ولی خب نتایجش به نفع خود مردم شد و خداوشکر تا جایی که من اطلاع دارم در شهر ما آسیب جانی اعلام نشد.

سه چهار روز خیلی پر هیجانی رو پشت سر گذاشتیم یادم هست تقریبا روز قبل از رسیدن طوفان به شهرمون مردم فروشگاه ها رو تخلیه کرده بودن، خیلی از پمپ بنزین ها به دلیل تموم شدن بنزین نیمه تعطیل بودن و تمام ارگان ها و مدارس و دانشگاه ها تعطیل کرده بودن و خلاصه همه چشم براه رسیدن hurricane یا در اصطلاح فارسی توفند (تند باد دریایی) بودن.

خب اگه میخواین بدونین که توفند چیه باید بهتون بگم که اگر تابحال عکس های ماهواره ایی رو نگاه کرده باشین وقتی که از بالا به زمین نگاه میندازیم ممکنه توده های ابری خیلی بزرگی رو ببینیم که حالت دایره ایی شکل دارن و حول مرکزشون در حال چرخش هستن، این

پدیده رو بهش توفند میگن در زبان فارسی چرخند های استوایی هم ممکنه بهش بگن و در زبان های دیگه بهش hurricane گفته میشه و گاهی هم بهش Typhoon گفته میشه.

امیدوارم که این پدیده رو با گردباد اشتباه نگیرید اگرچه گردباد هم یک پدیده ی آب و هوایی چرخشیه اما مقیاسش بسیار بسیار کوچیکه، مقیاس یک توفند ممکنه به چند هزار کیلومتر برسه اما یه گردباد نهایتا میتونه چند صد متر باشه.

شاید خیلیاتون اسم طوفان کاترینا رو شنیده باشین که سال 2005 همینجایی که ما هستیم یعنی لوئیزیانا رو درگیر کرد و باعث مرگ 1836 نفر و آوارگی 1 میلیون نفر شد. حالا حتما بیشتر متوجه میشین که چرا اینقدر توفند اینجا جدی گرفته میشه چون واقعا خطرناکه و آسیب هاش چشمگیره.

وقتی طوفان به خشکی برخورد میکنه یا اصطلاحا فروریزش میکنه ابتدا باد بسیار شدیدش هر چیزی رو که بتونه از بین میبره و بعد هم با بارندگی شدیدش که ممکنه تا چند روز هم طول بکشه باعث میشه سیل همه جارو بگیره و مشکلات دو چندان بشه.

علت اینکه ما ایرانی ها کمتر با این پدیده آشناییم و حتی من خودم به شخصه دیدم خیلی ها توفند رو با گردباد اشتباه میگیرن اینه که این پدیده بیشتر به کشورهای برخورد میکنه که با اقیانوس همسایه هستن. یعنی این پدیده وقتی از عرض های استوایی و در آب های گرم اقیانوس شکل میگیره به سمت عرض های بالاتر حرکت میکنه و اگر خشکی بر سر راهش باشه این بلاهایی که گفتم رو سرش میاره.

یه نکته جالب دیگه که خیلیا نمیدونن اینه که توفندها همیشه در نیمکره شمالی پادساعتگرد حرکت میکنن و در نیمکره جنوبی ساعتگرد و غیر از این هم امکان نداره درست برعکس جریانات اقیانوسی که در نیمکره شمالی ساعتگرد هستن و در نیمکره جنوبی پادساعتگرد.

اما بازم شاید تعجب کنین اگر بهتون بگم که ایران خودمون همین چند سال پیش یعنی سال 2007 توفندی به اسم Gonu بهش برخورد کرد که در آبهای گرم اقیانوس هند تشکیل شد و به کشور عمان برخورد کرد و بعد هم به ایران.

آسیب هاش واقعا جدی بود در اثرش سواحل سیستان و بلوچستان دچار سیلاب شد و رعد و برقش باعث آتش سوزی چند ده خونه شد. خیلیا مجبور شدن از سواحل دور بشن و حتی در بازارهای نفت هم تاثیرگذار بود و قیمت نفت رو 1.7 درصد افزایش داد.

خب سخن کوتاه بریم سراغ این قسمت از پادکست

علت انتخاب موضوع این قسمت خیلی هم بی ربط به طوفان این چند روز نیست. طوفان خشمگین به هیچکس رحم نمیکنه خصوصا اگر شما وسط اقیانوس و هزارن مایل دورتر از خشکی باشین جایی که هیچ سرپناهی وجود نداره.

در طول تاریخ کشتی های زیادی در اعماق اقیانوس ها غرق شدن و یا گم شدن و ما از سرنوشتشون بی خبریم اما فقط یکی از اونها در تاریخ دریانوردی تبدیل به افسانه شده.

کشتی آمریکایی ماری سلست در 400 مایلی شرق جزیره آزرس در وسط اقیانوس اطلس در حالی پیدا شد که در کمال تعجب هیچ سرنشینی نداشت.

تمام بار کشتی دست نخورده بود و ذخیره غذایی کشتی هم حداقل برای 6 ماه وجود داشت. با اینکه کشتی در سلامت کامل بود اما 10 نفر شامل خدمه، کاپیتان بنجامین و همسرش سارا و دختر 2 سالشون سوفیا بدون اینکه هیچ اثری از خودشون بزارن ناپدید شده بودن.

ماجرا از اونجایی شروع میشه که در روز 5 دسامبر سال 1872 یعنی حدودا 150 سال پیش در وسط اقیانوس اطلس جایی در 400 مایلی جزیره آزرس خدمه یک کشتی بریتانیایی بصورت اتفاقی یک کشتی بزرگ دیگه رو که ظاهرا سرگردان در میون امواج شناور بود پیدا کردن.

کاپیتان کشتی آقای دیوید مور هورس سریعا تشخیص داد که کشتی سرگردان همون کشتی مری سلست هست که 8 روز پیش شهر نیویورک رو به مقصد جنوا ایتالیا ترک کرده بود و تا الان باید به مقصدش میرسید.

کاپیتان مور هورس سریعا مسیرش رو برای کمک کردن تغییر داد و وقتی کشتی ها بهم نزدیک شدن در کمال تعجب دیدن که هیچکسی بر روی عرشه کشتی ماری سلست نیست.

یک تیم وارد کشتی ماری سلسنت شد همه جا رو بازرسی کرد وارد کابین کاپیتان شد همه چیز بنظر مرتب میرسید حتی گزارش های سفرنامه کشتی سر جای خودشون بودن و وقتی به زیر عرشه کشتی رفتن دیدن که تمام وسایل خدمه کشتی سر جای خودشون و دست نخورده باقی موندن.

ذخیره غذایی کشتی که برای 6 ماه مصرف خدمه کافی بود سر جای خودش قرار داشت و حتی تمام بار کشتی که 1701 بشکه الکل صنعتی بود هم صحیح و سالم سر جای خودش بود.

در گزارشات اومده که یکی از دو پمپ آب کشتی از هم باز شده بود. پمپ های آب در گذشته برای این استفاده میشدن تا آب جمع آوری شده در انتهای کشتی رو تخلیه کنن.

علاوه بر اون تنها قایق نجات کشتی هم سر جای خودش نبود و این آغاز یکی از بزرگترین رازهای تاریخ دریانوردی دنیاست.

چه اتفاقی برای خدمه کشتی ماری سلسنت افتاده بود؟

کشتی بنجامین بریگز

در طول دهه ها حدس ها و زمینه های زیادی در این ارتباط شکل گرفته، از حمله ی دزدای دریای گرفته تا حمله ی موجودات عظیم الجثه دریایی، برخورد با گرداب های دریایی و یا حتی دخالت بیگانگان یعنی موجودات فضایی.

نویسنده معروف Arthur Conan Doyle که خیلیمون بخاطر اثر معروف شرلوک هولمز میشناسیم، در سال 1884 یک داستان کوتاه در مورد کشتی ماری سلسنت نوشت. اگرچه این نویسنده داستان اصلی رو تا حدی با تخیلاتش تغییر داد ولی این داستان کوتاه باعث شد موضوع ماری سلسنت هر چه بیشتر شناخته بشه و همه جا ازش صحبت بشه.

همه ی این احتمالات و فرضیه ها حدود 135 سال مطرح بود و هیچکدومم بنظر جواب کامل و قانع کننده ایی برای این اتفاق بنظر نمیومد.

اما در سال 2002 خانمی به اسم اند مک گریگور تحقیقی رو آغاز کرد و در اون سعی کرد از دانش روز استفاده کنه و معمای کشتی ماری سلست رو حل کنه.

نهایتا هم یک مستندی رو تهیه کرده با نام The True Story of the Mary Celeste یا داستان واقعی ماری سلست که پیشنهاد میکن حتما ببینید.

خانم اند مک گریگور کارش همینه یعنی تحقیق علمی در مورد معماهای تاریخی و نهایتا ساخت مستند از یافته هاش.

مثلا یکی از کارهاش مستندیه در مورد Hindenburg disaster که شاید عکس هاش رو دیده باشین چون عکس هاش خیلی معروفه.

همون سانحه آتش سوزی کشتی هوایی که در اون 36 نفر کشته شدن و باعث شد کلا ایده استفاده از کشتی هوایی برای حمل و نقل مسافر منسوخ بشه.

بهر حال ایشون تصمیم گرفت تا در مورد این کشتی با بکارگیری آخرین تکنولوژی ها تحقیق کنه.

گزارش خانم مک گریگور با این پرسش شروع میشه که چه چیزهایی نمیتونه اتفاق افتاده باشه، یکی یکی تئوری های مطرح رو بررسی میکنه و اون هایی که میشه رد کرد رو رد میکنه.

اگر موافق باشین به همراه خانم مک گریگور باهم نگاهی میندازیم به تئوری های مطرح در این مورد.

اولین حدسی که در مورد کشتی ماری سلست مطرح میشد این بود که شاید یک جنایت هولناک در کشتی به وقوع پیوسته. بازرسی های اولیه نشانه هایی از ضربات شی مثل تبر و آثاری از خون رو بر روی بدنه کشتی گزارش کرده بودن.

دادستان وقت این فرضیه رو که شاید بعضی از خدمه کشتی با مصرف الکل موجود در بار کشتی بصورت دیوانه وار مست شدن و بعد از قتل عام بقیه با قایق نجات فرار کردن رو مطرح کرد.

اما این فرضیه به سرعت رد شد چون بررسی های بعدی نشون داد که لکه های پیدا شده اصلا خون نبودن، از طرفی بار الکل کشتی الکل صنعتی بود که غیر قابل نوشیدنه.

علاوه بر این چرا یک نفر یا چند نفر باید کشتی به اون بزرگی رو رها کنن و با سوار شدن به قایق نجات کوچیک در وسط اقیانوس زندگی خودشون رو به خطر بندازن میتونستن با همون کشتی خودشون رو حداقل به نزدیک خشکی برسونن و بعد فرار کنن.

فرضیه ی دوم فرضیه حمله دزدان دریایی و کشتن همه ی افراد داخل کشتیه.

آیا امکان این وجود داشت که دزدان دریایی شمال آفریقا این کارو انجام داده باشن؟ شاید اما کشتی غارت نشده بود پس نمیتونست کار دزدای دریایی باشه.

احتمال دیگه این بود که شاید این جنایت توسط همون کسایی که ادعا میکردن کشتی رو پیدا کردن صورت گرفته یعنی همون کشتی بریتانیایی و بعد ظاهر سازی کردن که کشتی رو سرگردون وسط اقیانوس پیدا کردن تا بتونن از دولت پول دریافت کنن.

در اون زمان اگر کسی کشتی رو پیدا میکرد و نجات میداد شرکت های بیمه پول خیلی خوبی رو بهش میدادن. اما این فرضیه همون موقع توسط یک دادگاه رد شد.

خدمه کشتی بریتانیایی بعد از پیدا کردن کشتی ماری سلست اونو 800 مایل هدایت کردن و با خودشون به جبل الطارق بردن.

تنگه جبل الطارق همونجایی که نفتکش ایرانی رو اخیرا توقیف کردن و حتما اسمش رو شنیدین؛ تنگه بسیار مهمیه بخاطر اینکه دریای مدیترانه رو وصل میکنه به اقیانوس اطلس و نیمی از تجارت دریایی جهان در اونجا صورت میگیره؛ با اینکه در جنوب اسپانیاست جزو سرزمین های بریتانیا محسوب میشه اگرچه اسپانیا همیشه باهاش مخالف بوده.

تصویری از کاپیتان بنجامین بریگز، همسرش سارا و دختر دوسالشون سوفیا که به همراه 8 نفر خدمه کشتی مری سلست ناپدید شدن

بگذریم و از موضوعمون خیلی دور نشیم.

کشتی بریتانیایی کشتی ماری سلسلست رو به جبل الطارق برد، اونجا دادگاهی تشکیل شد تا مطمئن بشن که این ماجرا کلاهبرداری نیست و خدمه کشتی بریتانیایی از بیمه کنندگان اون کشتی پولی دریافت نکردن.

چون زن این میرفت که صاحبان اصلی کشتی ماری سلسلست برای گرفتن پول از بیمه همچنین مجاری رو ساخته باشن و به افراد این کشتی یعنی کشتی بریتانیایی برای انجام این کار پول داده باشن!!

بعد از حدودا سه ماه دادگاه به این نتیجه رسید که هیچ سیاه بازی در کار نبوده و شرکت های بیمه هم پولی رو به عنوان حق الزحمه به خدمه کشتی بریتانیایی پرداخت کردن.

یه فرضیه دیگه هم که بعد ها رد شد فرضیه همدستی خدمه کشتی ماری سلسلست یعنی همون 10 نفری که ناپدید شده بودن با صاحبان کشتی و خدمه کشتی بریتانیایی بود تا از بیمه پول دریافت کنن.

اما این فرضیه هم بعد ها رد شد چون باید 10 نفر خودشون رو برای همیشه ناپدید کنن؟ از طرفی کاپیتان بنجامین و همسرش فقط یکی از بچه هاشون رو با خودشون همراه برده بودن در حالی که یه بچه 7 ساله ی دیگه هم داشتن.

یه حدس دیگه فرضیه وقوع بلایای طبیعی مثل گرداب یا یه موج بزرگ ناشی از سونامیه. اما بازم باید در نظر گرفت که کشتی سالم پیدا شده بدون اینکه آسیبی بهش رسیده باشه پس چرا باید کاپیتان دستور ترک کشتی رو بده؟

فرضیه جدی تر بعدی نشت الکل از مخازن الکل بار کشتی و احتمال وقوع انفجار بوده که کاپیتان دستور میده همه سوار قایق نجات بشن و قایق رو با طناب به کشتی ببندن و تا رفع احتمال خطر انفجار اونجا بمونن. اما در این بین طناب پاره میشه و اونا هیچوقت دوباره نمیتونن به کشتی راه پیدا کنن.

این فرضیه هم منطقی بنظر نمیاد چون حتما راه های دیگه ایی برای جلوگیری از آتش سوزی وجود داشته. معقولانه نیست که فقط بخاطر یه احتمال چنین کاری رو انجام داده باشن!

از طرفی یک قانون قدیمی هست که کاپیتان کشتی به هیچ وجه نباید کشتی رو ترک کنه مگر تا لحظه آخر که کشتی در حال از بین رفتنه. چطور کاپیتان بنجامین که کاپیتان با تجربه ایی هم بوده این مسئله رو رعایت نکرده؟

خب بعد از اینکه خانم مک گریگور تئوری های غیر ممکن رو رد کرد رفت سراغ این پرسش که حالا چه فرضیه هایی محتمل هستند؟

کند و کاوی در زندگی کاپیتان بنجامین هیچ سرخی به دست نداد. خانم مک گریگور حتی به شهر محل تولد و زندگی کاپیتان بنجامین رفت در ایالت ماساچوست رفت و با نوادگان آقای بنجامین مصاحبه کرد.

یادمون نرفته که کاپیتان بنجامین و همسرش فقط یه بچه 2 سالشون رو به این سفر برده بودن در حالی که یه پسر بچه 7 ساله هم داشتن.

همه چی گواهی این بود که کاپیتان بنجامین به فنون دریانوردی بسیار آشنا بوده کاپیتان با تجربه ایی بوده و زندگی نرمالی هم داشته و هیچ شاهی برای اینکه این ادم ممکنه کار غیر منطقی بکنه وجود نداشته.

بنابراین خانم مک گریگور به این نتیجه رسید که حتما کاپیتان بنجامین دلیل منطقی داشته که دستور تخلیه کشتی رو داده.

خانم مک گریگور پیش خودش فکر کرد که اگر میتونست موقعیت دقیق کشتی رو در زمان ترک خدمش پیدا کنه ممکنه که بتونه دلایلش رو هم توضیح بده!

چیزی که تا الان میدونست این بود که طبق آخرین گزارش کشتی که از خود کشتی پیدا شده بود موقعیت کشتی رو در 6 مایلی جزیره سانتا ماریا نشون میداد در صورتی که کاپیتان بریتانیایی 10 روز بعد کشتی و در 400 مایلی همین جزیره پیدا میکنه.

خانم مک گریگور میخواست بدونه آیا امکان داره کشتی سر گردون تحت تاثیر باد و جریانات اقیانوسی در مدت 10 روز چنین مسافتی رو و در اون جهت طی بکنه؟

اینجا بود که خانم مک گریگور از به اقیانوس شناس کمک گرفت.

آقای دکتر ریچاردسون از موسسه اقیانوس شناسی Woods Hole که بدون شک برترین مرکز اکادمیک و تحقیقاتی دنیا در زمینه اقیانوس شناسیه و خود من آرزوم اینه که بتونم به روزی در این موسسه مشغول به کار و تحقیق بشم.

شبیه سازی مسیر کشتی در اون زمان و بین این دو نقطه با شبیه سازی کامپیوتری کاملاً امکان پذیره و همه ی اقیانوس شناس ها با اینگونه مدل ها کم و بیش سرو کار دارن.

دکتر ریچاردسون برای این کار نیاز داشت به یک ساری داده به عنوان ورودی مدلش؛ از جمله این داده ها جذر و مد، دمای آب، سرعت باد و جهت باد بود.

خوشبختانه یک مرکزی هست به اسم ICOADS که این اطلاعات اتمسفری و اقیانوسی رو از سال 1784 جمع آوری میکنه در بانک اطلاعاتی خودش.

بعد از استخراج این داده شبیه سازی مسیر کشتی انجام شد و اولین سوالی که بایستی پاسخ داده میشد این بود که آیا کشتی در مدت 10 روز از نقطه اولیش یعنی 6 مایلی جزیره سانتا ماریا به نقطه ایی که در اون پیدا شده بود در 400 مایلی میتونست برسه یا نه؟

جواب مثبت بود. کشتی حتی بدون هدایت در 10 روز به اون نقطه می رسید. این کاملاً با وضعیت جریان های اقیانوسی و داده های باد در اون زمان همخوانی داشت و مدل های کامپیوتری هم همین رو پیشبینی میکردن.

مدل های کامپیوتری کمک خیلی بزرگی رو به خانم مک گریگور کردن اما هنوز هم سوال های زیادی در ذهن خانم مک گریگور بود که بدون پاسخ بودن.

از طرفی بخشی از گزارش های کشتی در گذر سالیان گم شده بود. اینجا بود که یک سند خیلی مهم به کمک خانم مک گریگور اومد و اون یادداشت هایی بود که دادستان وقت از روی گزارش های کشتی در همون زمان برداشته بود.

این گزارش ها به کلی فراموش شده بودن تا اینکه خانم مک گریگور بهشون دسترسی پیدا میکنه.

بررسی این گزارش ها حقایق خیلی جالبی رو آشکار میکنه که منجر به حل نهایی معما میشه. یک نقاشی از کشتی مری سلسنت که توسط یک هنرمند ناشناس در سال 1861 کشیده شده یادداشت های دادستان وقت نشون میداد که کاپیتان بنجامین در مورد یکی از پمپ های آب کشتی ابراز نگرانی کرده بوده.

اینجاست که برمیکردیم به اول قصه؛ یادتون هست وقتی که کشتی رو پیدا کردن یکی از پمپ های کشتی در حالی دیده میشه که ازهم باز شده بوده.

این پمپ ها مخصوص این هستن که آبی که نفوذ پیدا میکنه به شکم کشتی یعنی عمیق ترین بخش کشتی خالی کنن و در صورتی که اینکارو نکنن کشتی غرق میشه.

گزارش های کشتی نشون میده قبل از این سفر کشتی ماری سلسنت زغال سنگ جابجا کرده بوده؛ خاکستر زغال سنگ احتمالا در شکم کشتی جمع شده بوده و ترکیبش با آب دریا لجنی رو بوجود آورده بوده که وارد پمپ شده و باعث گرفتگیش شده؛ این باعث میشه که آب در شکم کشتی جمع بشه و کاپیتان احساس خطر کنه.

اما باز هم این مسئله نمیتونه باعث بشه که کاپیتان وسط اقیانوس دستور تخلیه رو صادر کنه مگر اینکه مطمئن باشه به خشکی نزدیکه. اینجاست که بازهم یادداشت های دادستان به کمک خانم مک گریگور اومد.

خانم مک گریگور متوجه شد که جمع اعداد روی گزارش کشتی که موقعیت کشتی رو گزارش میکنن باهم نمیخونه! یعنی یه خطای محاسباتی در مورد موقعیت کشتی وجود داره!

خب حتما میدونین که امروزه تمام کشتی ها مجهز به سیستم های پیشرفته GPS هستن اما کاپیتان بنجامین در کشتی ماری سلسنت تنها متکی به آموخته هاش، تجربه هاش و وسایل

ناوبری ابتدایی اون موقع بوده که مهمترینش ساعت دریایی یا کرنومتره که فواصل شرقی-غربی رو اندازه میگیره و هر دقیقه روی ساعت نمایانگر 15 مایله.

بررسی مسیر کشتی بر اساس گزارش های کشتی نشون داد که کرنومتر کاپیتان بنجامین به اندازه 8 دقیقه یعنی 120 مایل خطا داشته و کمتر نشون میداده. این یعنی اینکه وقتی کاپیتان بنجامین دستور تخلیه رو میداده مطمئن بوده که نزدیک جزیره سانتا ماریاست در صورتی که 120 مایل با اون فاصله داشته و این یعنی اینکه تقریبا غیر ممکن بوده که به خشکی برسن.

13 سال بعد دادستان وقت گزارش خودش رو مبنی بر اینکه هیچگونه تعمد و کلاهبرداری در مورد کشتی ماری سلست وجود نداشته اعلام کرد. در همون سال صاحبین جدید کشتی ماری سلست برای کلاهبرداری از بیمه اون رو در سواحل هائیتی غرق کردن و این پایانی بود بر این کشتی پر ماجرا.

امیدوارم از شنیدن این قسمت از پادکست ژرفا لذت برده باشید.

اگر میخواین اپیزودهای بعدی مارو هم دنبال کنین، لطفا در اپ های پادکست خودتون بر روی دکمه Subscribe کلیک کنید.

همچنین شما میتونید مارو در توییتر و ایستناگرام با نشانی zharfa.podcast دنبال کنید.

این پادکست تهیه شده بود توسط من علیرضا پاینده و دستیار و طراح گرافیک افسانه قضاوی.